

کتابخانه نسف غفر: ۱۴۵۱۱۳۷

بهاره

مجموعه بی اشعار

دکتر سیده اشرف، حیدری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد: وراپن - پیشوا

احمد فخرایی

سرشناسه: حیدری، سیده اشرف، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: بهاریه: مجموعه‌ی اشعار / سیده اشرف حیدری، احمد فخرایی؛ ویراستار تکاوش بحرینی.

مشخصات نشر: تهران: میرشیدا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۱۷-۱۶-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry - ۲۰th century

تثانی: جزوه: فخرایی، احمد، ۱۳۴۶ -

تثانی: افه ۵۵: بحرینی، تکاوش، ۱۳۵۸ - ویراستار

رده: ۵۵: ۱۳۹۵ ب ۱۴۱۴ ی / PIR ۸۰۳۱

رده: ۵۵: ۱۴۱۴ ی / ۸۱۴۱

شماره کتاب: سی سی. ۲۴۶۷۳۵۶

انتشارات میرشیدا

نام کتاب: بهاریه

شاعر: دکتر سیده اشرف حیدری، احمد فخرایی

ویراستار: تکاوش بحرینی

ناشر: میرشیدا

چاپ اول: ۱۳۹۵

صفحه‌آرا: علی اصغر خرم‌شاهی

چاپ: فرهنگ و دانش

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

بهاء: ۱۷۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۷۱۷ - ۱۶ - ۶

پست الکترونیک: Ashraf_Heidari@yahoo.com

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲ - ۶۰۴۸۸۹۴

حق چاپ برای نویسنده و ناشر محفوظ است. هرگونه برداشت و کپی پیگرد قانونی دارد.

مقدمه‌ای بر بهاریه

آغاز می‌کنم بهاری را با بهاریه‌های زیبایی که برای تو سروده‌ام.
برای نمی که انگار سال‌ها با تو آشنا بوده‌ام.
اولین رور بهار بود که با تو حرف زدم، باور نمی‌کردی که به
دیدارت بینم.

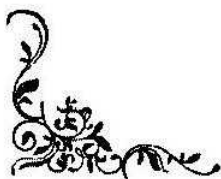
در دومین رور بود که بری دیدارت به اهواز آمدم و در فرودگاهی
که سال‌ها قبل دلم را آن جا، ج گذاشته بودم در آغاز بهاری نو تو را
دیدم. در فرودگاه عشق و آرزو فرود آمدم، که روزی کوله‌بار سفر را
از آن شهر بسته بودم.

تو را دیدم در فرودگاه دلم. چقدر قلب من مان به هم نزدیک بود.
بی‌اختیار بوسه بر گونه‌ات زدم. و لبخندی را که حاکی از سرور و
شادی بود، بر لبانت دیدم.

ساک و چمدانم را گرفتی و به سوی پارکینگ هدایتیم کردی.

گاه سوار شدن، پرسیدی: خسته‌ای؟ گفتم، نه!

گفتی: دوست داری به زیارت علی‌بن مهزیار بروی؟



مشتاقانه استقبال کردم. مرا به پارک ساحلی بردی. چند عکس
از من گرفتی و بعد به زیارت رفتیم.
بعد از انجام فریضه‌ی دو رکعت نماز زیارت علی بن مهزیار، را
ترک کرده و سپس به لشکرآباد رفته و ناهار خوردیم.
پس از صرف ناهار و قهوه راهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اهواز در کوی گلستان شدیم. پس از اسکان یافتن، از من
خدا عظمی کردی و راهی منزل شدی. از این جا بهار به‌های من و
نوحان معروف و بهار به سروده شد.

